

به مناسبت گرامیداشت از (اول می) روز انترناسیونالیسم پرولتری

اول ماه می روز بین المللی طبقه کارگرو سایر زحمتکشان جهان است. کارگران احزاب سازمان ها و گروه های کمونیست انقلابی و روشنفکران مترقی این روز را درسراسر جهان با گردهمآیها و تظاهرات باشکوهی تجلیل می کنند. در این روز کمونیستهای واقعا انقلابی و کارگران سراسر جهان خشم و انزجارشان را علیه سرمایه داری جهانی و امپریالیسم و ارتجاع همدست آن ابراز کرده و تجدید تعهد می نمایند که مبارزه علیه سرمایه داری جهانی و امپریالیسم و ارتجاع راتا پیروزی ادامه دهند. اول می یادآور خاطرات مبارزات مترقی کارگران جهان است که علیه استثمار و بی عدالتی طبقه سرمایه دار بپا خاستند. تاریخ مبارزات طبقه کارگر در اروپا و آمریکا شاهد بارها سرکوب خونین تظاهرات آن ها بوسیله طبقه سرمایه داری می باشد. اما کارگران توانستند با تداوم مبارزات شان خواستها و مطالبات صنفی خود را بر طبقه سرمایه دار بقبولانند. همین ساعات معین در یک روز کاری معاش و دیگر «امتیازات» از قبیل بیمه معاش ایام مرخصی و برخی از حقوق سیاسی و اجتماعی محدود از جمله حق رای و حق تشکیل اتحادیه های صنفی کارگران با مبارزات طولانی و گاهی هم با مبارزات خونین طبقه کارگر از طبقه سرمایه دار و دولتهای آن ها گرفته شده است. مبارزات طبقه کارگر در اشکال ابتدای اش خودجوش بوده و محدود به خواستههای اقتصادی و بهبود شرایط محیط کاری می گردید. در تاریخ جنبشهای حق طلبانه کارگران نمونه سازمان یافته این مبارزات تشکیل انجمن کارگران لندن و طرح برنامه «منشور خلق» میلادی بود که جنبش کارگری «چارتستها» در جهت مبارزه بر ضد غارت و تجاوز قدرتهای ۱۸۳۶ در سال استعماری در افریقا، ایران، هندوستان، چین و کشورهای دیگر بود و همچنین جهت مطالبه حق رای کارگران گردهمآیهای تشکیل دادند. بطور کلی جنبش طبقه کارگر در اروپا بطور خودبخودی گسترش می یافت. کارگران هنوز نگرش مشترکی از جهان و جامعه و تکامل آن و نقش تاریخی خود- و خلاصه ایدئولوژی مشترک - نداشتند از اینرو اقدامات آن ها پراکنده و نامتشکل بود و معمولا به شکست می انجامید. تا میانه قرن نوزدهم میلادی بیشترین بخش کارگران زیر نفوذ اندیشه های بورژوازی و ایده های سوسیالیسم تخیلی بودند. سوسیالیسم تخیلی خیلی پیش از این زمان همزمان با ظهور سرمایه داری و طبقه کارگر بوجود آمده بود. این مکتب بیانگر اعتراض

ظهور مارکسیسم در دهه چهل قرن نوزدهم و نفوذ آن بر جنبش «چارتستها» و به خصوص شرکت مارکس و انگلس در این جنبش به مبارزات ضد استعماری «منشور گریان» تأثیرات کیفی گذاشته و خصوصیات قاطع تری به آن ها بخشید. مارکس و انگلس عقیده داشتند که: «فقط پرولتاریای بیدارکننده می تواند میان ملت های مختلف (میلادی بنیان گذاشتند ۱۸۴۷ بیداری بوجود آورد». مارکس و انگلس «اتحادیه کمونیستها» را در سال ۱۸۴۷ و اثر پرارزش «مانیفست کمونیست» را تدوین کردند و شعار «پرولتاریای جهان متحد شوید!» را اعلام نمودند. این شعار اساس انترناسیونالیسم پرولتری است و مفهوم واقعی آن وحدت و همبستگی پرولتاریا و زحمتکشان همه ملت ها در مبارزه مشترک علیه سرمایه داری جهانی و امپریالیسم و ارتجاع درسراسر جهان می باشد. زمانیکه طبقه کارگر اروپا باندازه کافی نیرومند شد تا هجوم تازه ای را بر ضد طبقات حاکم سرمایه دار آغاز کند «جمعیت بین المللی کارگران» تشکیل گردید. هدف جمعیت این بود که کلیه نیروهای مبارز طبقه کارگر اروپا و امریکارا در ارتش بزرگ واحدی گرد آورند. «مانیفست کمونیست» اولین برنامه مدون طبقه کارگر بین المللی بود. «مانیفست کمونیست» راه نجات واقعی طبقه کارگر را از استثمار وستم نظام سرمایه داری برایش نشان داد. نفوذ و رسوخ سوسیالیسم علمی در جنبش طبقه کارگر کیفیت مبارزاتی آن را بیش از پیش ارتقاده و موجب تشکیل سازمان های بین المللی طبقه کارگر از جمله بین الملل اول بین الملل دوم و بین الملل سوم گردید. انترناسیونال اول توسط مارکس پایه گذاری شد و مبارزات طبقه کارگر جهان با الهام از اندیشه مارکسیستی رشد کیفی بیسابقه یافت. بین الملل دوم که در ابتدا بوسیله انگلس رهبری می شد بعد از آن رهبری آن به دست اپورتونیستها افتاد. انترناسیونال سوم (کمینترن) بعد از پیروزی انقلاب کبیراکتوبر توسط رفیق لنین پایه گذاری شد و به مرکز رهبری کننده جنبش های انقلابی پرولتری جهان تبدیل گردیده و مبارزات طبقه کارگر جهان را علیه ستم و استثمار سرمایه داری جهانی و امپریالیسم و ارتجاع رهبری نمود. طبقه کارگر در پراتیک مبارزه طبقاتی علیه سرمایه داری جهانی به پیروزیهای بزرگی دست یافت و مارکسیسم در کارزار مبارزه انقلابی پرولتاریا مراحل رشد و تکامل خود را طی کرده و به مدارج عالیتر تکاملی آن تا کنون (مارکسیسم- لنینیسم- ماوئیسم) رسیده است. پرولتاریا مبارزه انقلابی را علیه دشمنان طبقاتی اش همیشه در عرصه به پیش برده است؛ عرصه مبارزه علیه سرمایه داری جهانی و امپریالیسم و دیگر طبقات ارتجاعی و عرصه مبارزه ایدئولوژیک- سیاسی علیه انواع رویونیسم و اشکال اپورتونیسم. «در جوامع طبقاتی بین طبقات خلقی پرولتاریا یگانه طبقه

انقلابی است که اگر با سلاح علم انقلاب پرولتری مجهز شود، خودش وسایر زحمتکشان را از تمام رنج و آلام استثمار و ستم سرمایه و هرنوع ستم انسان بر انسان رها می بخشد. «مارکس می گوید: «در بین همه طبقاتی که در برابر بورژوازی قرار دارد تنها پرولتاریا یک طبقه واقعاً انقلابی است.» پرولتاریا در مبارزه برای رهای خودش می تواند و باید تمام توده های زحمتکش و در درجه اول دهقانان را بسوی خود جلب نموده و نبرد علیه سرمایه داری را رهبری کند. بهمین جهت طبقه پرولتاریا رسالت تاریخی سرنگونی طبقه بورژوازی و تشکیل جامعه ای نوین سوسیالیستی و ایجاد دیکتاتوری طبقاتی اش را بعهده دارد. پرولتاریا تحت رهبری حزب انقلابی اش تحت رهبری اندیشه های انقلابی نجاتبخش (م- ل- م) و در جریان مبارزه طبقاتی به منافع اساسی طبقاتی خود و رسالت تاریخی اش در نجات بشریت از ستم و استثمار سرمایه آگاهی می یابد. پرولتاریا به لحاظ موقعیت و خصلت طبقاتی اش انقلابی ترین طبقه در بین تمام زحمتکشان است. اگر او به آگاهی طبقاتی اش (علم انقلاب پرولتری) دست یابد، یگانه طبقه ایست که تا آخر انقلابی است. برای اینکه پرولتاریا بتواند حاکمیت طبقاتی و دیکتاتوری طبقه سرمایه دار را سرنگون کرده و حاکمیت طبقاتی خودش را در جامعه برقرار کند، قبل از همه باید با سلاح علم انقلاب پرولتری (م- ل- م) خود را مجهز ساخته و بر همین مبنا حزب پیش آهنگ انقلابی اش را تشکیل دهد. طبقه کارگر بدون حزب کمونیست انقلابی (م- ل- م) نمی تواند به استراتژیها و اهداف عالی انقلابی اش نایل آید. برای تشکیل حزب کمونیست انقلابی قبل از همه باید خط ایدئولوژیک- سیاسی رهبری کننده حزب روشن شود. وحدت بخشهای مختلف جنبش انقلابی پرولتری (م- ل- م) در یک کشور موضوع نهایت مهمی است که باید بدان توجه جدی و عمیق صورت گرفته و برای وحدت بخشهای مختلف معیارهای مشخص لنینی مد نظر قرار گرفته و اختلافات ایدئولوژیک- سیاسی بین این بخشها به شیوه انقلابی و دیالکتیکی حل شوند. بعبارت دیگر تصفیه حساب با انواع رویزونیسم و اشکال اپورتونیسم و تسلیم طلبی یکی از مسایل نهایت مهم در جنبش کمونیستی (م- ل- م) هر یک از کشورها و در سطح جنبش بین المللی کمونیستی است که از طریق مبارزه ایدئولوژیک- سیاسی (مبارزه «بین دو خط») افشا و طرد کامل آنها امکان پذیر است. حزب کمونیست انقلابی منحیث یک پدیده ای پویا و زنده نیز دارای تضاد است و حل این تضاد از طریق ادامه مبارزه «بین دو خط» امکان پذیر است. بعبارت دیگر یک حزب کمونیست واقعاً انقلابی باید دائماً گرایشات و اندیشه های انحرافی (اپورتونیستی و رویزونیستی) را از طریق مبارزه ایدئولوژیک- سیاسی طرد کرده و خود را انقلابی کند. موضوع مهم دیگر در ایجاد حزب کمونیست انقلابی نقش عنصر واقعاً انقلابی در رهبری آنست؛ زیرا هر بورژوازدموکرات «انقلابی» به محض اذعان به قبول مارکسیسم- لنینیسم- مائوئیسم نمی تواند امر سرگ رهبری مبارزات انقلابی پرولتاریا و وسایر زحمتکشان را علیه سرمایه داری جهانی و امپریالیسم و دیگر طبقات ارتجاعی تا پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین و انقلاب سوسیالیستی و ادامه انقلاب تحت دیکتاتوری پرولتاریا و رسیدن به جامعه بدون طبقه (کمونیسم) به پیش برد. در یک حزب کمونیست انقلابی باید به صداقت انقلابی و ایمان داری افراد در مبارزه انقلابی (به رابطه دیالکتیکی بین تئوری و عمل توجه جدی نمود). با رعایت جدی این معیارهاست که می توانیم حداکثر از نفوذ و رسوخ اپورتونیسم و رویزونیسم در حزب کمونیست انقلابی جلوگیری نمایم. پیش آهنگ طبقه کارگر همیشه باید خود را تکامل داده و اندیشه های انقلابی پرولتری را به پرولتاریا و وسایر زحمتکشان انتقال داده و استراتژیها و تاکتیکهای درست در جهت رسیدن به اهداف انقلاب طرح و تعیین کند. اما این پرولتاریای انقلابی است که در اتحاد با سایر طبقات خلقی و نیروهای مترقی ضد امپریالیسم و ضد ارتجاع می تواند مبارزه انقلابی را تا سرنگونی نظام سرمایه داری جهانی و امپریالیسم و طبقات ارتجاعی فیودال و کمپرادور به پیش برده و دیکتاتوری طبقاتی خودش را برقرار سازد و این مبارزه را تا محو کامل هرنوع ستم و استثمار و رسیدن به جامعه بدون طبقه (کمونیسم) ادامه دهد.

در تاریخ مبارزات طبقاتی پرولتاریای جهان، کمون پاریس- اولین پیروزی مبارزات انقلابی طبقه کارگر در سال (میلادی بود که توانست برای اولین بار دیکتاتوری طبقاتی بورژوازی را سرنگون کرده و دیکتاتوری (۱۸۷۱) طبقاتی خود را تاسیس کند. کمون پاریس برای بار نخست شکست پذیری طبقات ارتجاعی سرمایه دار را توسط (روز) شکست خورد ۷۲ مبارزات انقلابی طبقه پرولتاریا ثابت نمود. با آنکه کمون پاریس بنا بر علل معین بعد از (پرولتاریای انقلابی بوسیله بورژوازی و حشینه سرکوب گردید) لیکن به لحاظ تاریخی تجربه کمون پاریس در جنبش انقلابی پرولتاریای جهان حایز اهمیت فراوان است. قرن بیستم قرن پیروزی انقلاب های پرولتری بود (میلادی تحت رهبری حزب کمونیست (بلشویک) روسیه و در اس آن رفیق ۱۹۱۷ و انقلاب کبیر اکتوبر در سال) لنین به پیروزی رسید. انقلاب کبیر اکتوبر بزرگترین پیروزی پرولتاریای جهان است که طبقه کارگر برای اولین بار نظام سوسیالیستی را تاسیس کرده و دیکتاتوری طبقاتی اش را برقرار کرد. تجربه ساختمان سوسیالیسم تحت رهبری داهیان رفیق استالین یکی دیگر از دست آوردهای مهم پرولتاریای جهان محسوب می شود. با ختم جنگ جهانی امپریالیستی دوم که توسط امپریالیستهای جنایتکار و غارتگر به منظور تجدید تقسیم جهان مشتعل شده بود؛ میلادی دروین تمام شمالی تحت رهبری حزب کمونیست این کشور به ۱۹۴۴ انقلاب ملی- دموکراتیک در سال رهبری هوچی مین به پیروزی رسید. انقلاب دموکراتیک نوین تحت رهبری حزب کمونیست چین به رهبری

میلادی انقلاب ۱۹۵۸ میلادی به پیروزی رسید و در سال ۱۹۴۹ رفیق مائوتسه دون در ماه اکتوبر سال سوسیالیستی پیرو شد و نظام سوسیالیستی در چین برقرار گردید. بهمین صورت بعد از جنگ امپریالیستی دوم به کمک همه جانبه کشورشوراها انقلاب های دموکراتیک توده ای تحت رهبری احزاب کمونیست در چندین کشور اروپای شرقی به پیروزی رسیدند که بعداً به نظام سوسیالیستی ارتقا یافتند. و پرولتاریای کشورآلبانی با پیروزی انقلاب ملی- دموکراتیک به نظام سوسیالیستی گذار کرد. همچنین با کمک همه جانبه کشورشوراها و چین انقلابی انقلاب ملی- دموکراتیک در ویتنام شمالی به پیروزی رسید. ولی با تاسف که بعد از وفات رفیق میلادی عناصر بورژوازی لانه کرده در حزب کمونیست (بلشویک) یعنی رویونیستهای «۱۹۵۳ استالین در سال میلادی ۱۹۵۶ مدرن» بر رهبری خروشچف مرتد و خاین نظام سوسیالیستی و دیکتاتوری پرولتاریا را در سال سرنگون کردند و کشورشوراها را که بزرگترین و مطمئن ترین پایگاه انقلاب جهانی بود به کشور سرمایه داری امپریالیستی میدل کردند. با به شکست کشاندن انقلاب در اتحاد شوروی سوسیالیستی توسط رویونیستهای مرتد و خاین؛ رفیق مائوتسه دون در پر تو علم انقلاب پرولتری و باتکا به دیالکتیک ماتریالیستی علل داخلی و خارجی این شکست را مورد تحلیل و ارزیابی علمی قرار داده و «**تئوری ادامه انقلاب تحت دیکتاتوری پرولتاریا**» را تدوین نمود. مائوتسه دون در اس کمونیستهای انقلابی چین درگیر مبارزه ای سختی علیه عناصر سرمایه داری در درون حزب کمونیست چین نیز بود؛ از شکست انقلاب در اتحاد شوروی سوسیالیستی بوسیله رویونیستهای «مدرن» در سهای زیادی آموخت و برای نجات انقلاب چین از شر خیانت و تخریبکاری رویونیستهای درون حزب ادامه ۱۹۷۶ میلادی در چین براه انداخت و تا سال ۱۹۶۶ دولت؛ انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریای را در سال یافت و پرولتاریا و کمونیستهای انقلابی چین از این طریق توانستند انقلاب چین و نظام سوسیالیستی و دیکتاتوری پرولتاریا را برای یکدهه از شکست بوسیله رویونیستهای «سه جهانی» نجات دهند. رفیق مائوتسه دون در همین رابطه می گوید: «**اکثریت رهبران حزب نظام دموکراتیک خلق را برای چین کافی می دانستند و موافق به تاسیس جامعه سوسیالیستی نبودند**». تجربه انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریای در موردش مهمترین و با ارزش ترین تجربه ای پرولتاریا و کمونیستهای انقلابی جهان تا امروز بشمار می رود. با انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریای در چین اندیشه مائوتسه دون غنای کیفی بیشتری یافت و باین صورت رفیق مائوتسه دون مارکسیسم- لنینیسم را به جایگاه عالی تری به (مارکسیسم- لنینیسم- مائوئیسم) تکامل بخشید. اکنون پرولتاریا و کمونیستهای انقلابی جهان علم انقلاب خود را «مارکسیسم- لنینیسم- مائوئیسم» می نامند. مبارزات طبقاتی پرولتاریا و سایر زحمتکشان جهان علیه سرمایه داری جهانی و امپریالیسم و ارتجاع فئودال کمپرادور به پیروزی رساندن انقلاب دموکراتیک نوین و انقلاب سوسیالیستی (در کشورهای تحت سلطه امپریالیسم) و همچنین پیروزی انقلاب سوسیالیستی در کشورهای سرمایه داری امپریالیستی و تکامل آن به جامعه بدون طبقه (کمونیسم) بدون

رویزیونیسم ایدئولوژی بورژوازی است و مبارزه علیه آن مبارزه طبقاتی است. هدف رویونیستها محور و انقلابی و خلاق مارکسیسم- لنینیسم- مائوئیسم می باشد. رویونیستها اصول مارکسیسم- لنینیسم- مائوئیسم فلسفه اقتصاد سیاسی و آموزش سوسیالیسم علمی را مورد تجدید نظر قرار می دهند. رویونیستها با تصدیق لفظی مارکسیسم و سفسطه بازی مارکسیسم را از روح زنده انقلابی آن تهی می کنند دیکتاتوری پرولتاریا را تحریف و انکار می نمایند و باین ترتیب مارکسیسم را به ابتدال می کشانند. از رویونیستهای کهن برنشتاین معتقد بود که: «**راه قانونی و پارلمانی یگانه راه تحقق سوسیالیسم است**». همچنین او معتقد بود که: «**اگر طبقه کارگر آرای عمومی و متساوی در برپارلمان بدست آورد آنوقت اصل اجتماعی که شرط اساسی رهای طبقه کارگر است بدست آمده است**». کائوتسکی از سران بین الملل دوم و از رهبران سوسیال دموکرات آلمان در آستانه جنگ جهانی امپریالیستی اول بدون در نظر گرفتن خصلت امپریالیستی جنگ در پرتگاه سوسیال شءونیسیم سقوط کرد. کائوتسکی با تصدیق «**دفاع از میهن**» در جنگ امپریالیستی عمومی تبهارانه بدفاع از بورژوازی غارتگر خودی برآمد. با بورژوازی کشور خودی اتحاد کرد و به اتفاق آن با پرولتاریای کشور خود به مبارزه برخاست. کائوتسکی آموزش مارکس را کاملاً تحریف و از روح زنده ای انقلابی آن تهی کرده و آن را با روح اپورتونیسم دمسان نمود. او مارکسیسم را به ابتدال کشید و بدفاع از بورژوازی رفورمیست برخاست. او شدیدترین دشمنان ما را به لنین حواله کرد. در افغانستان تشکلهای رویونیستی از جمله «سازمان رهای افغانستان» و «سازمان انقلابی افغانستان» و گروه ضد انقلابی «ساما- ادامه دهندگان» تهاجم نظامی و اشغال و به مستعمره کشیدن افغانستان توسط امپریالیستهای امریکای و «ناتو» را مورد تائید قرداده و باین صورت همه جنایات آن ها و دولت مزدوران هارا طی بیست سال علیه خلق افغانستان صحه گذاشته و به خلق و کشور خیانت کرده اند. این رویونیستهای ضد انقلابی با عناصری از همپاله های «ساوو» عی شان فعالین جنبش کمونیستی (م- ل- م) کشور را مورد حملات خصمانه قرار داده و در جهت تخریب آن ها از هیچ سفاقت و رذالتی ابا نکرده اند. این رویونیستهای تسلیم شده به امپریالیسم و استعمار یک اتحاد ضد انقلابی تشکیل داده و علیه ما فحاشی و جاسوسی کرده اند.

قرن بیستم میلادی قرن پیروزی انقلابهای پرولتری در چندین کشور جهان بود و ده هاجزب و سازمان کمونیستی نيز در کشورهای مختلف جهان تشکیل گردید. اما با تاسف که همه این انقلاب ها بوسیله اپورتونیستها و رویزیونیستهای درون دولت و احزاب کمونیست در قدرت به شکست کشانده شدند. و همچنین ده هاجزب و سازمان انقلابی پرولتری در کشورهای مختلف جهان به پیروی از رویزیونیستهای مرتد و خاین روسی، چینی و آلبانی در منجلا ب رویزیونیسم سقوط کردند. امروز در هیچ کشوری در جهان پرولتاریای انقلابی قدرت سیاسی را در دست ندارد. رویزیونیستهای «مدرن» (خروشچی) در روسیه، رویزیونیستهای «سه جهانی» در چین برهبری دینگ سیاءوپینگ و دکمارویزیونیستهای آلبانی برهبری انورخوجه دیکتاتوریهی پرولتاریا و نظام های سوسیالیستی را که حدود یک ثلث نفوس جهان تحت این نظام ها تا حد زیادی به حقوق و خواستههای شان دستیافته بودند و از آزادی و دموکراسی مردمی برخوردار بودند سرنگون کرده و بزرگترین خیانت رابه پرولتاریا و زحمتکشان کشورهای شان و به پرولتاریا و سایر خلهای زحمتکش جهان و انقلاب جهانی مرتکب شدند. باین صورت قرن بیستم از یکطرف قرن پیروزی انقلاب های پرولتری و از جانب دیگر قرن شکست فاجعه بار این انقلاب ها نیز بود. همه این شکستها بوسیله ای انواع رویزیونیستها و اپورتونیستهای درون احزاب در قدرت و خارج قدرت صورت گرفته است. بدین لحاظ رفیق ماءوتسه گفت: «تا پیروزی انقلاب و رسیدن به جامعه کمونیستی به چندین انقلاب فرهنگی ضرورت است». تجارب منفی شکست این انقلاب ها توسط رویزیونیستهای مرتد و خاین تلخ ترین تجارب منفی برای کمونیستها و پرولتاریای انقلابی و خلهای زحمتکش جهان می باشد. از اینجاست که کمونیستهای واقعا انقلابی و با ایمان در همه کشورها باید از این شکستهای مجذانه بیاموزند و خطر رویزیونیسم و اپورتونیسم را در جنبش های انقلابی پرولتری کشورهای شان و در سطح جنبش بین المللی کمونیستی جدی گرفته و مبارزه ایدئولوژیک- سیاسی را بدون وقفه علیه آن ها ادامه داده و لحظه ای از افشای چهره های ننگین این دشمنان قسم خورده کمونیسم انقلابی و پرولتاریا و خلهای زحمتکش جهان فرو گذاشت نکنند. طی بیش از یک و نیم دهه اخیر جنبش بین المللی کمونیستی دچار بحران عمیقی است. این بحران بعد از به شکست کشاندن انقلاب خلق نیال توسط رویزیونیستهای «حزب کمونیست نیال (ماء و عیست)» میلادی آغاز شده و هرچه بیشتر عمیق و گسترده شده است. سقوط ۲۰۰۶ برهبری پراچندا مرتد و خاین در سال فاجعه بار «حزب کمونیست نیال (ماء و عیست)» در پرتگاه رویزیونیسم و تسلیم طلبی طبقاتی و ملی و به شکست کشاندن انقلاب خلق نیال که در آستانه پیروزی قرار داشت و سقوط احزاب تشکیل دهنده جنبش انقلابی انترناسیونالیستی (جاا) در منجلا ب اپورتونیسم منجمله «حزب کمونیست (ماء و عیست) افغانستان» و بعد رویزیونیسم باب آواکیان و «حزب کمونیست انقلابی امریکا» بنام «سنترنوین کمونیسم» و به پیروی از آن سقوط «حزب کمونیست ایران (م- ل- م)» در این منجلا ب رویزیونیستی سهمگین ترین ضربت را به (جاا) و جنبش بین المللی کمونیستی و پیشرف کمونیسم انقلابی وارد کردند. لذا بیش از همه این وظیفه و رسالت کمونیستهای انقلابی واقعی (م- ل- م) جهان است که در پرتو علم انقلاب پرولتری و با اتکابه دیالکتیک ماتریالیستی در اوضاع کنونی جنبش بین المللی کمونیستی مبارزه ایدئولوژیک- سیاسی انقلابی را علیه رویزیونیسم و اپورتونیسم تشدید کرده و چهره های کریه آن ها را برای پرولتاریا و سایر زحمتکشان جهان معرفی کنند. و با تعمیق و گسترش هرچه بیشتر مبارزه انقلابی علیه سرمایه داری جهانی و امپریالیسم و ارتجاع فیودال کمپرادوری جنبشهای انقلابی پرولتری را در سطح کشورها استحکام بخشند. فقط با تصفیه حساب با انواع رویزیونیسم و اپورتونیسم زمینه پیشرفت و تکامل جنبش انقلابی پرولتری و تشکیل احزاب و سازمان های انقلابی پرولتری میسر می گردد. اما با تمام خیانتها و توطئه های انواع رویزیونیسم و سرمایه داری جهانی و امپریالیسم و ارتجاع فیودال کمپرادوری کمونیسم انقلابی در جهان زنده و پویاست. احزاب کمونیست (م- ل- م) انقلابی در هندوستان (*)، فلیپین، کردستان شمالی (ترکیه) و پیرو جنگ انقلابی خلق را علیه نظامهای ارتجاعی حاکم و سلطه امپریالیسم در این کشورها به پیش می برند. و این وظیفه کمونیستهای انقلابی و سایر جریانات مترقی ضد امپریالیسم و ضد ارتجاع در سراسر جهان است که از این جنگهای انقلابی و مناطق سرخ بطور همه جانبه حمایت و پشتیبانی کنند. (*- دولت هندوستان در این میلادی در ایالت بنگال غربی آغاز شد ۶۰ و اواخر اذعان کرده است که: شورش ماء و عیست ها در اواخر دهه بخش هند گسترش یافته است. این شورشیان مناطق وسیعی از چند ۶۰۰ و از آن زمان به بیش از یک سوم از ایالت را که از شمال شرق تا مرکز هند امتداد دارد، کنترل می کنند. مناطقی که بعنوان «کوریدور سرخ» خوانده می شود. این شورشیان می گویند که برای دفاع از طبقه فقیر و تاسییس یک کشور کمونیستی می میلیون کیلومتر مربع مساحت دارد. نقل از ویب سایت ۳.۳ هزارتن کشته شده اند. هندوستان ۶ جنگند. و بیش از ۱۷-۴-۲۰۲۴ فارسی بی بی سی

– زنده باد مارکسیسم- لنینیسم- ماء و عیسم! - مستحکم و مستدام باد انترناسیونالیسم پرولتری!- پیروز باد مبارزات انقلابی پرولتاریا و خلهای زحمتکش جهان!- نابود باد سرمایه و ارتجاع پهلشیگ بر انواع رویزیونیسم و اپورتونیسم بر ایالت دشمنان

میلادی-۲۰۲۴ نقابدار کمونیسم انقلابی و خادمان سرمایه داری جهانی و امپریالیسم! اول می
پولاد)
(نویسنده: